

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: النا پوستاویتووا (Elena PUSTOVOYTOVA)، عضو کانون نویسندگان روسیه، روزنامه‌نگار
برگردان: ا.م. شیری
۲۰ مارچ ۲۰۲۵

امریکا بدون سایه ترس بر بالای سر



دولت ترمپ به صراحت گفته است که رویکرد یک جانبه و اجبار را ترجیح می‌دهد و از همه روش‌های ممکن برای ارباب کشورها استفاده می‌کند.

در ۱۴ اگست ۱۹۴۱، زمانی که گروهی از سربازان آلمانی مسیر راه آهن کینگیزپ – کراسناگواردیسک را قطع کردند و سربازان شوروی در منطقه لوگا، در ۵۳۰۰ کیلومتری رود لوگا در خطر محاصره قرار گرفتند، در آن سوی اقیانوس اطلس در خلیج ارجنتاینا در جزیره کانادائی نیوفاندلند، فرانکلین روزولت، رئیس جمهور امریکا و وینستون چرچیل، نخست وزیر انگلیس در عرشه کشتی جنگی «شاهزاده ولز» انگلیس، منشور آتلانتیک را امضاء کردند. لازم به ذکر است که این منشور اهداف دو کشور در جنگ علیه آلمان نازی و متحدانش و دیدگاه مشترک آن‌ها از نظم جهانی پس از جنگ را مشخص می‌کرد.

در آن زمان، با توجه به فاجعه خونینی که در اروپا در حال رخ دادن بود، هر دو رهبر مخالفت خود را با تصاحب سرزمینی، غیرقابل قبول بودن تغییر مرزها بدون رضایت مردم مربوطه، و احترام به حق مردم در انتخاب نوع

حکومت خود و تلاش برای بازگرداندن حاکمیت و خودگردانی برای آن دسته از مردمانی که به زور از آن محروم شده بودند، اعلام کردند. آن‌ها به عنوان یک نکته جداگانه، لزوم کاهش سطح کلی تسلیحات در جهان، خلع سلاح کامل کشورهای متجاوز و نابودی استبداد نازی‌ها را مورد تأکید قرار دادند. در این منشور به برقراری صلح و امنیت برای همه کشورهای پس از شکست فاشیسم ابراز امیدواری می‌شود و همانطور که در این سند آمده است: «اگر کشورهای فراتر از مرزهای خود را تهدید کنند یا تهدید به تجاوز کنند، به استفاده از سلاح‌های زمینی، بحری و هوایی ادامه دهند، هیچ صلحی در آینده پایدار نخواهد بود».

وحشت جنگ باعث شد که آن‌ها منادی تأسیس یک سازمان منحصر به فرد در تاریخ کل جهان باشند که قرار بود تنها به هدف حفظ صلح جهانی خدمت بکند. و آن‌ها در درک فاجعه‌ای که اولین اقدام آن را خودشان کارگردانی کردند، تنها نبودند...

۱۰ روز بعد، اتحاد جماهیر شوروی به این منشور پیوست (در طول سال‌های جنگ جهانی دوم، ۴۳ کشور دیگر از منشور حمایت کردند)، اما پس از آن آمریکا هنوز حادثه ۷ دسامبر را در پیش داشت. این، زمانی بود که پایگاه بحری پرل‌هاربر توسط ۳۵۳ هواپیمای جاپانی مورد حمله قرار گرفت. همه هشت ناو جنگی آمریکا آسیب دید و چهار فروند از آن‌ها غرق شد. جاپانی‌ها علاوه بر این‌ها، سه رزمناو دیگر، سه ناوشکن، یک کشتی آموزشی ضد تحت‌البحری و یک مین‌ریز را غرق کردند یا به آن‌ها آسیب رساندند. بیش از ۱۸۰ هواپیمای امریکائی منهدم شد، ۲۴۰۳ سرباز امریکائی کشته شد، ۱۱۷۸ نفر دیگر زخمی شد. و سه روز بعد، همان ناو «شاهزاده ولز»، که منشور تأسیس سازمان ملل متحد در عرشه آن امضاء شد، بدون محافظت از هوا، در خلیج تایلند مورد حمله هواپیماهای جاپانی قرار گرفت و غرق شد.

امروز سازمان ملل متحد، ایده‌ای که تشکیل آن در عرشه کشتی اعلام شد، در حال نابود شدن است.

در سال ۱۹۴۱، نه فقط امریکائی‌ها، بلکه کل جهان بهای جنگ جهانی علیه فاشیسم را پرداخت کرد. به همین دلیل در اول جنوری ۱۹۴۲، روزولت، چرچیل و همچنین، ماکسیم لیتوینوف، سفیر اتحاد جماهیر شوروی در آمریکا و سون تزو ون، نماینده چین سندی را امضا کردند که بعداً به نام «منشور سازمان ملل متحد» شناخته شد. روز بعد، این بیانیه را نمایندگان ۲۲ کشور دیگر امضاء کرد. توافق نهائی در مورد تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ در یالتا حاصل شد. اما یالتا خوشایند هری ترومن، جانشین روزولت متوفی نبود. اعطای حق وتو به مسکو به همراه سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، مانعی بود که تسلط منافع آمریکا بر بقیه جهان را غیرممکن می‌کرد.

چرچیل، نخست وزیر انگلیس در آن زمان اظهار داشت: «من به طور قطعی می‌دانم که روسیه پس از این جنگ به بزرگترین قدرت زمینی جهان تبدیل خواهد شد. زیرا، در نتیجه این جنگ از شر دو قدرت نظامی - جاپان و المان - که در طول زندگی نسل ما چنین خسارات سنگینی بر آن وارد کرده‌اند، خلاص می‌شود. با این حال، امیدوارم که انجمن برادرانه ملت‌های کشورهای انگلستان و آمریکا و نیروی بحری و هوایی بتواند روابط خوب و تعادل دوستانه بین ما و روسیه را حداقل در دوره بازسازی ویرانی‌های جنگ تضمین کند. آنچه بعد اتفاق خواهد افتاد، با چشم یک انسان فانی محض قابل رؤیت نیست و من هنوز دانش کافی در مورد تلسکوپ‌های آسمانی ندارم...».

چرچیل صادق نبود. او دقیقاً می‌دانست که «انجمن برادرانه» او به محض از پایان جنگ جهانی دوم به کجا ختم خواهد شد. پنج روز قبل از لازم‌الاجرا شدن منشور سازمان ملل متحد (۲۴ اکتوبر ۱۹۴۵)، سازمانی که برای تضمین ثبات در جهان پس از جنگ طراحی شده بود، اصطلاح «جنگ سرد» برای اولین بار توسط جورج اورول، که مدینه فاضله

«۱۹۸۴» خود را در سال ۱۹۴۹ نوشت، ابداع شد. از آن زمان، معنی عبارت او: «برادر بزرگ مراقب شماست»، معلوم شد که برای امریکای مدرن بسیار راحت‌تر از روسیه و ستالین قابل استفاده است...

اکنون زمان آن است که بپرسیم: امریکا و انگلیس امیدهای خود به آینده بهتر برای کل جهان را بر پایه چه اصولی بنا کردند و به کدام یک از آن‌ها پای‌بند بوده‌اند؟

من صریحاً اعتراف می‌کنم که چرچیل از طریق «تلسکوپ آسمانی» به وضوح دید که بلوک نظامی-سیاسی ناتو به ابزار اصلی و نه یک سلاح در اروپا تبدیل خواهد شد. آری، این معلوم است که در دهه ۶۰ نیم میلیون سرباز امریکائی در ویتنام چطور از «غیرقابل قبول بودن تغییر مرزها بدون رضایت مردم مربوطه و احترام به حق مردم برای انتخاب نوع حکومت خود و تلاش برای احیای حاکمیت و خودگردانی» دفاع کرد. و سپس آن‌ها همین کار را در کوریا، لیبیا، لانوس، کامبوج، السالوادور، ایران و لبنان انجام دادند و در قرن جدید، «صلح و امنیت برای همه کشورهای» را به افغانستان، عراق، پاکستان، لیبیا، سوریه و کامرون تحمیل کردند.

تزیق جنگ به جهان که به بزرگترین قتل عام در کل تاریخ بشریت تبدیل شد و ۶۱ کشور در آن شرکت کرد، مانند سرنوشت کشتی جنگی «شاهزاده ولز»، بدون تأثیر مطلوب بر جاهطلبی‌های امریکا که از پیروزی منتفع شد، از هم پاشید «Project Syndicate». امریکائی می‌نویسد: «هشت دهه پس از تشکیل سازمان ملل متحد برای جلوگیری از جنگ جهانی تازه و حل مناقشات از طریق دیپلماسی به جای خشونت، بشریت به دلیل احتمال وقوع یک فاجعه هسته‌ئی در مقیاس جهانی، به حالت افلیج افتاده است. اقدامات اخیر امریکا احتمالاً خبر از خروج این کشور از بزرگترین سازمان جهانی می‌دهد. از میان تمام شیرین کاری‌های ژئوپلیتیکی که دونالد ترامپ از زمان بازگشت به کاخ سفید انجام داده است، رأی امریکا در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۴ مارچ یکی از آشکارترین آن‌ها بود».

سازمان ملل متحد به چه چیزی رأی داد؟ مجمع عمومی پیش‌نویس قطعنامه‌ای را با اکثریت قاطع تصویب کرد که بر اساس آن، ۱۲ جولای را به عنوان «روز جهانی امید» اعلام می‌کند و «اهمیت امید و رفاه را به عنوان اهداف و آرزوهای جهانی در زندگی مردم در سراسر جهان و اهمیت آن‌ها را به عنوان اهداف سیاست عمومی به رسمیت می‌شناسد». خوب، آیا این فرزند مشروع آتلانتیک نیست؟ اما امریکا رأی منفی داد.

ادوارد هارتنی، وزیر مشاور هیأت نمایندگی امریکا در سازمان ملل متحد توضیح داد که واشنگتن دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار و اهداف توسعه پایدار را به طور کامل رد و محکوم می‌کند و دیگر آن‌ها را به عنوان یک امر طبیعی تأیید نخواهد کرد. او گفت: «به عبارت ساده، ابتکارات جهانی مانند دستور کار ۲۰۳۰ و اهداف توسعه پایدار به این دلیل که امریکا به آن‌ها رأی منفی داد، در صندوق‌های رأی شکست خوردند».

در همان روز، امریکا علیه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر تأیید حق همه افراد جوان برای تحصیل، از جمله زنان جوان، سخن گفت. این ضربات به ظاهر جزئی در سازمان ملل متحد ممکن است منادی آغاز روند خروج امریکا از سازمان ملل متحد باشد. این دقیقاً همان کاری است که ایلان ماسک و دیگر حامیان ترامپ اکنون با صدای بلند خواستار آن هستند. ترامپ همانطور که در دوره اول خود، توافق آب و هوایی پاریس را کنار گذاشت، اکنون امریکا را از سازمان بهداشت جهانی خارج کرده است. دولت او امریکا را از برخی از نهادهای سازمان ملل متحد، از جمله شورای حقوق بشر و آژانس امدادسانی و کاریبی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک خارج کرده است و در حال حاضر مشارکت آن در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) را بررسی می‌کند. علاوه بر این‌ها، امریکا از مذاکرات جاری در مورد کنوانسیون مالیاتی سازمان ملل متحد نیز خارج شد. «Project

Syndicate» تأکید می‌کند: «این اقدامات نشان می‌دهد که دولت ترمپ فقط از برخی نهادهای بین‌المللی ناراضی نیست. بلکه، اساساً با هر چارچوب چندجانبه‌حاکمی از برابری بین کشورها مخالف است».

دولت ترمپ کاملاً روشن کرده است که طرفدار رویکرد یکجانبه و اجبار است و از قدرت خود برای ارباب‌کشورهای مختلف استفاده می‌کند. و در حالی که ابرقدرت جهان از همکاری جهانی خودداری می‌کند، نظام حکمرانی چندجانبه که آمریکا نزدیک به هشت دهه پیش به ایجاد آن کمک کرد، در حالی از هم پاشیدن است. همچون هیتلر که در المان به قدرت رسید و این فرصت را به دست آورد تا مرزهای اروپا را بنا به میل خودش جابه‌جا کند، تنها کاری که ترمپ باید انجام دهد این است که «نبرد من» خود را آشکارا به مردم نشان دهد، برتری امریکائی‌ها را بر جهان اعلام کند و دیگر رهبران ملی را با حواریون ترمپ یکی تصور کند.

همانطور که می‌بینید، اکنون وضعیت در شورای امنیت در جهت عکس‌تغییر می‌کند: اگر سابقاً وتوی اتحاد جماهیر شوروی به معنای وتوی نیمی از اروپا، اگر نه نیمی از جهان، بود، اکنون وتوی روسیه بسیار آسان است. هیچ خطری برای سیاست‌گذاران کابینتول هیل ایجاد نمی‌کند. در حالی که آمریکا هیچ ترسی از پشت سر احساس نمی‌کند، پس چه چیزی این کشور را از دستیابی به اهداف خود در نظم جهانی بازمی‌دارد؟ نه منشور سازمان ملل متحد و نه، به ویژه، منشور آتلانتیک، آمریکا را به خلیج ارجنتاینا، جایی که امیدواری به برقراری صلح و امنیت برای همه کشورها «از طریق دیپلماسی و خلع سلاح متجاوزان» متولد شد، باز نمی‌گرداند. فقدان این امید امروز، تخم فاجعه جهانی دیگری را در درون خود می‌پروراند.

بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۲۹ اسفند- حوت ۱۴۰۳